

رَبِّ الْمُجْرِمِينَ

موضوع:

چرایی و چگونگی وحدت در جامعه اسلامی

استاد راهنما: سرکار خانم فاطمه خشتمان

محققین:

سارا شیرزادی پورمست

معصومه حمیدی

فاطمه امامی

مدرسه علمیه الزهراء (س) گیلانغرب

استان کرمانشاه

۱۴۰۳ پاییز

چکیده

وحدت و همبستگی میان مسلمانان، از مسائل بسیار مهم و اساسی است که کلام خدا و سنت نبوی، بر آن تأکید فراواننموده اند وحدت، و حفظ آن مهمی است که از دیرباز در فرهنگ دینی کشورهای اسلامی وارد شده و به مرور جایگاه ویژه‌ای یافته است؛ گسترش وحدت در جامعه باعث می‌شود که ولایت پذیری افزایش یافته و جامعه از نفوذ دشمنان دور شود از این رو مقاله نگاشته شده به نقش وحدت در جامعه اشاره می‌کند.

کلید واژه: اتحاد، جامعه، وحدت

مقدمه

وحدت و اتحاد به معنی وفاق کلی و عمومی و یگانگی و پرهیز از جدایی می‌باشد. وحدت و یکپارچگی انسان‌ها از اهداف مهم و بنیادین قرآن می‌باشد که بارها مورد عنایت قرار گرفته است. امت اسلامی برای بازیابی جایگاه پیشین خویش و دستیابی به تمدن جدید اسلامی، به کسب مقدمات و عبور از موانعی نیاز دارد که بدون توجه به آنها نخواهد توانست به موقیت شایسته ای دست یابد.

وحدت مسلمانان جهان از مسائل ضروری روز جوامع اسلامی است و همه باید بر محوری جامع و فراگیر که تمامی مذاهب و اندیشه‌های دینی، آن را قبول داشته باشند، گردهم آیند، و یکپارچه و هماهنگ حرکت نمایند.

شکی نیست که یکی از عوامل پیشرفت ملت‌ها و رمز پیروزی آنان، پیوند و اتحاد بوده است، همانگونه‌ای که با اتحاد قطرات آب، مخزن بزرگ سد تشکیل و با پیوستن جوی‌های کوچک به همدیگر رودخانه‌های عظیم ایجاد می‌شود، با اتحاد انسان‌ها نیز صفوی بزرگی تشکیل می‌شود که دشمن با نگاهش به وحشت افتاده و فکر تجاوز به آنان را برای همیشه از سر بیرون می‌کند

مفهوم وحدت

وحدت بین مذاهب اسلامی، خمیرمایه و جوهره‌ی انسجام‌بخشی به جبهه‌ی اسلام ناب و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی بوده و تنها نسخه‌ی شفابخش برای التیام دردهای پیکر زخم‌آلود امت اسلام در فضای غبارآلود کنونی است. وحدت امت اسلامی از دیرباز، آرمان مصلحان صادق و پیشگامان دلسوز امت اسلامی بوده و برای تحقق آن با بیان و بنان خویش مجاهدت‌های فراوان در عرصه‌های مختلف انجام نموده‌اند. حتی در این راه بدل از دریغ ننموده‌اند.

طلع خورشید انقلاب اسلامی در ایران نقطه عطفی برای تحقق امت واحد اسلامی شد و رهبران آن راه نجات امت اسلامی را در وحدت و تقریب بین مذاهب اسلامی دانسته‌اند، تا امت اسلامی را از تلاطم امواج فتنه‌ها و جدایی‌های ساختگی به ساحل امن وحدت و همبستگی و همگرایی برسانند. در این نوشتار کوشیده شده اندیشه‌های راهبردی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در زمینه‌ی وحدت تبیین شود.

دین همه را به همگرایی فراخوانده و بهره گیری از دستورات دین عامل وحدت جامعه دانسته و آن که هرگاه دشمنان، اسلام را نشانه گرفتند و مقدسات آن را زیر سوال بردنند، مسلمانان متعدد شده و از آن دفاع و پاسداری می کنند. و آن که دین واحد عامل وحدت است. بنابر هر سه احتمال، دین محور وحدت است.

اتحاد به معنای یکتایی و یگانگی است^۱. وحدت در لغت عبارت است از یگانه شدن، یگانه بودن و اشتراک گروهی در یک مرام و مقصد، اشتراک همه افراد ملت در آمال و مقاصد که مجموعه‌ای واحد به شمار آیند^۲.

اتحاد عبارت است از یکی شدن^۳، معنا و مفهوم وحدت در نظر حکیمان بدیهی و بی نیاز از تعریف است؛ چون معتقد‌ند که وحدت مساوی با وجود است و تعریف آن مانند تعریف وجود ممکن نیست مگر این که دور یا تعریف چیزی به واسطه خود آن چیز لازم آید^۴.

^۱ فرامیدی، ترتیب العین، ج ۱، ص ۱۴۲

^۲ معین، فرهنگ فارسی معین، ج ۴، ص ۴۹۸۹

^۳ طریحی، مجمع البحرين، ج ۴، ص ۴۷۶

^۴ طباطبائی، نهایة الحكم، ص ۱۳۸

معنای اتحاد بین ملت های اسلامی این است که در مسائل مربوط به جهان اسلام هم سو حرکت کنند و به یکدیگر کمک کنند و در داخل این ملت ها سرمایه های خودشان را بر علیه یکدیگر به کار نبرند^۱

وحدت عمومی، به معنای گرد آمدن صاحبان سلیقه ها و روش های گوناگون بر گرد محور اسلام، خط امام و ولایت فقیه است. این، همان اعتصام به «حبل الله» است که عموم مسلمین بدان مکلف گشته اند؛ و این، آن اسم اعظمی است که همه گره ها را باز، و همه موانع را برطرف، و همه شیاطین را مغلوب می کند^۲.

بنابراین، مقصود از وحدت و اتحاد امت اسلامی، همبستگی و دست به دست هم دادن کلیه مسلمانان با حفظ هویت مذهبی در برابر دشمنان مشترک است. امامان معصوم علیهم السلام نیز که حاکم منصوب و منصوص از طرف خداوند بر امت مسلمان بودند، با حاکمان زمانه خود در جهت حفظ وحدت تعامل و همکاری داشتند.

وحدت اسلامی به معنای اتحاد و هم بستگی پیروان مذاهب مختلف اسلامی و طرحی در عرصه های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی برای حال و آینده امت اسلامی است که هم می تواند در مقابل چالش های بین المللی از امت دفاع نماید و هم جهانیان را به چالش بکشاند.

امت یکپارچه اسلامی محل تجلی رحمت خداست مشروط بر آن که حافظ یکپارچگی خود باشد، از بدعت بهراسد، به سنت پیامبر بگراید و خود را از تفرقه و تهمت برهاند. در غیر این صورت، به بلای امت های شکست خورده گرفتار خواهد شد.

وحدت چهار عنصر دارد:

۱- اصالت؛ به این معنا که در تعاملات با دیگران و معارف اسلامی، همواره باید وحدت را یک اصل شمرد تا نقاط اختلاف تقلیل یابد و مشترکات گسترش یابد.

^۱ خامنه‌ای، حدیث ولایت، ج ۴، ص ۲۶۲

^۲ پیام به ملت شریف ایران، در پایان چهلمین روز ارتحال حضرت امام خمینی رحمة الله ، ۱۳۶۸/۰۴/۲۳

ءَكَمَا نُودِيَ بِالْوَلَائِيَّةِ: إِسْلَامٌ بِرِّ پِنْجٍ پَايِهِ اسْتَوارٍ گَرْدِيدَهِ اسْتَ: نِماز، زِكَات، رِوزَه، حِجَّ وَ لِوَالِيتَ. آنچنان کَهْ كَسَى بَهْ
وَلِاِيتَ فَرَاخوَانَهِ شَدَهِ، بَهْ هَيْجَ چِيزَ دِيَگَرِي فَرَاخوَانَهِ نَشَدَهِ اسْتَ^۱.

راز اين موقعیت ويژه ولايت در ميان آموزه های اسلامی، در روایت ديگر از امام باقر عليه السلام نيز آمده است
و آن نقش کلیدی و محوری امام و حجت خدا در ميان مسلمانان است که راهنمای دینی، تفسیر و تبیین کننده
احکام و هدایت کننده مردم به سوی رستگاری و کمال معنوی است؛ چرا که اگر جامعه بدون رهبر و امام هدایتگر
باشد راه به جایی نخواهد برد.(ولايت نه تنها در احکام اسلامی بلکه در اصول اعتقادی اسلام نيز نقش تعیین کننده
دارد؛ زیرا اخبار زيادي وجود دارد که می گويد توحيد و ايمان بinde اى پذيرفته نمي شود مگر با ولايت ائمه عليهم
السلام^۲.

يکی از پیامدهای تکذیب و مخالفت با ولايت اين است که موجب سرگردانی او در دنيا می شود. در روایتی از امام
باقر(عليه السلام) آمده است که فرمودند: «كُلُّ مَنْ ذَانَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِعِيَادَهِ يُجْهَدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ لَا إِمَامَ مِنَ اللَّهِ، فَسَعِيهُ
غَيْرُ مَقْبُولٍ، وَ هُوَ ضَالٌ مُتَحَيَّرٌ وَاللَّهُ شَانِيٌ لِأَعْمَالِهِ؛ هر کس به خداوند صاحب عزت تقرّب جوید، با عبادتی که (تمام)
تلاش خود را در انجام آن به کار برده است، ولی از جانب خداوند امامی منصوب شده برای او نباشد، تلاش
پذيرفته نمي شود و گمراه و سرگردان خواهد بود و خداوند نيز اعمال او را دشمن می دارد^۳

پذيرش ولايت ولی‌اللهی، شرط قبولی سایر اعمال است؛ چنان که در روایتی از امام صادق(عليه السلام) آمده است:
«خداوند اعمال نیکوی بندگان را نمی‌پذیرد، در صورتی که رهبری غیراللهی بر آنان فرمان‌روایی داشته باشد.^۴

اتحاد و عدالت پذيری

يکی از مهمترین راهکارهای قرآن برای تقویت و حفظ همبستگی ملی در جامعه، اهمیت دادن به «عدالت» در
همه ابعاد آن میان آحاد جامعه است. قرآن در آیات متعددی بر اجرای عدالت تأکید می کند و حتی مهم ترین فلسفه
بعثت انبیا را برپایی قسط و عدل می داند و می فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ
لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَ مَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَ رُسُلُهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ

^۱ کلینی، اصول کافی، ج ۲ ص ۱۸

^۲ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۳

^۳ کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۸۳

^۴ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۹۸

غَزِيزٌ؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناصایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند؛ و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافعی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند بی‌آنکه او را ببینند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است!^۱.

امام ششم در این باره فرمود: «لَا يُقْيِيمُ النَّاسَ إِلَّا السَّيْفُ؛ تَنْهَا شَمْشِيرٌ، مَرْدَمٌ رَا إِسْتَوْارٌ مَّى گَرْدَانَدَ».

مکتب اسلام با الهام از آیات قرآنی و روایات پیشوایان دینی، بر اقامه عدل و قسط در جامعه انسانی تأکید دارد و هدف از بعثت انبیا را تحقق عدالت اجتماعی می‌داند و بر عدالت‌خواهی در همه ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی پاکشایی می‌نماید. به عنوان مثال قرآن کریم فلسفه تشکیل حکومتها و بعثت انبیا را اقامه قسط و عدل و حل اختلافات گوناگون بین مردم دانسته است: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَى عَلَى شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَى لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَى شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ؛ يهود بر این دعوی هستند که نصاری را از حق چیزی در دست نیست و نصاری بر این دعوی که یهود را از حق چیزی در دست نیست، در صورتی که هردو گروه در خواندن کتاب آسمانی یکسان هستند. این گونه دعویها نظیر گفتار و مجادلات مردمی است که از کتاب آسمانی بی‌بهراهند و خداوند در این اختلافات روز قیامت میان آنها حکم خواهد فرمود^۲.

انسجام و حفظ وحدت اجتماعی و امنیت عمومی در گروه برخوردها و رفتارهای عادلانه می‌باشد و به عکس، تفرقه و جدایی، اختلاف گروهی و ملی و تشنجهای اجتماعی، از ظلم و بی‌عدالتی بر می‌خizد. عدل و دادگری نه تنها باعث قوام و استمرار اجتماع انسانی است و نوع آنها را گرد هم آورده و جامعه سالم و پیشرفت‌هایی را به وجود می‌آورد بلکه برترین عامل نگهدارنده حکومت‌ها و دولت‌هاست.

دولت‌ها و حکومت‌هایی که به عدالت رفتار نکنند پایه حاکمیتشان بسیار سست و ضعیف است و اقتدارشان موقت خواهد بود؛ زیرا با ستمگری و بی‌عدالتی، نابودی خود را امضا کرده‌اند. حضرت علی علیه السلام در این باره

^۱ سوره حديد، آيه ۲۵

^۲ کلینی، الكافي، ج ۵، ص ۲.

^۳ سوره بقره، آيه ۱۱۳

می‌فرمایند: «مَنْ جَازَتْ وَلَا يُتُّهُ زَالَتْ دُولَةُ؛ كَسِيْ كَه در دایرہ حکومتش ظلم و ستم کند^۱»، حکومتش از بین خواهد رفت. و یا «مَنْ عَمِلَ بِالْعَدْلِ حَصَّنَ اللَّهُ مُلْكَهُ؛ كَسِيْ كَه به عدالت عمل کند خداوند قلمرو حکومتش را حفظ خواهد نمود^۲». و در حفظ ثبات و پایداری دولت می‌فرمایند: «ثَبَاتُ الدُّولَ بِالْعَدْلِ؛ حُكْمَتَدَارِي، اجْرَائِي عَدْلَتِ است^۳».

عوامل بیرونی ضد وحدت

عوامل بیرونی زیادی ناقض وحدت هستند، استعمار و استکبار نقش عمدۀ و اصلی در ایجاد و استمرار تفرقه و دامن زدن به آن را بر عهده دارد.^(۳۱) برخی از حُکَام و دولت‌های اسلامی وابسته، خواسته یا ناخواسته در ایجاد و تزریق سهم مهلك تفرقه ایفای نقش می‌نمایند که اینها را هم باید از جمله آسیب‌های بیرونی وحدت شمرد. رهبر انقلاب در تبیین این مسئله می‌فرمایند: «بخشی از سرزمن‌های اسلامی، به حضور و تصرف ایادي شرک و کفر و استکبار آلوده شده و با سوء تدبیر و خباثت بعضی از حکام ممالک اسلامی، اختلافات تازه و برادرکشی‌های بی‌سابقه در میان مسلمین پدید آمده است. این چیزی است که قلب هر مسلمان غیور و معتقد به عزت اسلام و وحدت مسلمین را جریحه دار می‌سازد.»

همچنین گروه‌ها و جریان‌های تکفیری دست‌ساز استکبار جهانی که به طور بی‌سابقه و فزاینده‌ای در حال رشد و نمو در بعضی جوامع اسلامی هستند، نقش پیاده‌نظام دشمن در اجرای اهداف آن را دارند. از جمله مذاهب جعلی در جهان اسلام، وهابیت است که در قرن اخیر در جهان اسلام پدید آمد و برخی از ساده‌اندیشان جهان اسلام را همراه خود با هم ساخت.

^۱ آمدی، غررالحكم و دررالكلم، ج ۲، ص ۱۸۷، ح ۷۱۵.

^۲ آمدی، غررالحكم و دررالكلم ، ص ۲۰۹، ح ۱۰۶۸.

^۳ همان، ج ۱، ص ۳۲۹، ح ۳۰.

نتیجه گیری

که یکی از عوامل پیشرفت ملت‌ها و رمز پیروزی آنان، پیوند و اتحاد بوده است؛ وحدت و اتحاد عامل اقتدار و سرافرازی و تفرقه آفت عزت و پیشرفت است. یک جامعه برای حرکت در مسیر اهداف و آرمان‌هایش بیش از هر چیز به اتحاد و وحدت آحاد مختلف نیاز دارد. این وحدت و همدلی است که می‌تواند آن ملت را از توطئه‌ها و نقشه‌ها به سلامت عبور دهد و پایه‌ها و ساختارهایش را استحکام بخشد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- (۱) آمدی، عبد الواحد، غرر الحكم و درر الكلم، قم، دارالكتب الاسلامی، بی‌تا.
- (۲) ابن حنبل، احمد بن محمد، مسنند احمد بن حنبل، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۶ هـ ق
- (۳) ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحديث و الأثر، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۷ هـ ش
- (۴) حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، نشر موسسه آل الیت، بی‌تا
- (۵) خامنه‌ای، سید علی، حدیث ولایت، تهران، انقلاب اسلامی، ۱۳۹۹ هـ ش
- (۶) طباطبائی، محمد حسین، نهایة الحكماء، تهران: موسسه الجلیل للتحقيقات الثقافية، ۱۴۱۷ هـ ق
- (۷) طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرين، تهران، مکتبة المرتضویة، ۱۳۷۵ هـ ش
- (۸) فراهیدی، خلیل بن احمد؛ تربیت العین ، قم ، انتشارات هجرت ، ۱۴۱۰ هـ ق
- (۹) کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، قم، دارالحدیث، بی‌تا
- (۱۰) معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، زرین، چاپ سوم، ۱۳۸۶ هـ ش
- (۱۱) مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران، دارالكتب الاسلامیه، بی‌تا
- (۱۲) احمد بن محمد، مسنند احمد، ج ۳۵، ص ۴۵۶، من حدیث زید بن ثابت بطريقین صحیحین.

- (١٣) أحمد بن محمد، مسنن احمد، ج ٣٥، ص ٥١٢، من حديث زيد بن ثابت بطريقين صحيحين.
- (١٤) هيشمي، نورالدين، مجمع الزوائد، ج ٩، ص ١٦٢. ٣٥
- (١٥) سيوطي، جلال الدين، الجامع الصغير للسيوطى، ج ١، ص ٤٠٢.
- (١٦) سيوطي، جلال الدين، الدر المنشور، ج ٢، ص ٢٨٥.
- (١٧) طبراني، سليمان بن أحمد، المعجم الكبير، ج ٥، ص ١٦٦، ح ٤٩٧١.
- (١٨) هيشمي، نورالدين، مجمع الزوائد، ج ٩، ص ١٦٤.
- (١٩) سيوطي، جلال الدين، الدر المنشور، ج ٢، ص ٦٠.
- (٢٠) عمران/سورة ٣، آية ١٠٣. رازى، فخرالدين، تفسير الكبير (مفاتيح الغيب)، ج ٧، ص ١٧٣.
- (٢١) ابن ابىالحديد، شرح نهج البلاغة، ج ٢٠ ص ٢٨٣.
- (٢٢) سيد شريف مرتضى، على بن حسين، الشافى فى الامامة، ج ٣ ص ٢٢٣.
- (٢٣) دينورى، ابن قتيبة، الامامة والسياسة، تحقيق الشيرى، ج ١ ص ٦٨.
- (٢٤) مجلسى، محمدباقر، بحار الانوار، ج ٢٨، ص ٣٧٣.
- (٢٥) ابن ابىالحديد، شرح نهج البلاغة، ج ١ ص ٣٠٧.
- (٢٦) شيخ مفید، محمد بن محمد، الارشاد، ج ١، ص ٢٤٥.
- (٢٧) امام على، نهج البلاغة، ج ١، ص ٤٨، خطبه ٣.